

بررسی تحلیلی مواد ۴۸۸ و ۴۹۰ قانون آئین دادرسی مدنی از لحاظ قبول انواع دادخواست‌های پژوهشی

ماده ۴۸۸ قانون آ.د.م راجع است به تکلیف دادگاه بصدور قرار رد دادخواست پژوهشی که بعد از انقضاء مهلت داده شده است. ماده ۴۹۰ از همان قانون راجع است بوظایف مدیر دفتر در هنگام وصول دادخواست و تعیین تاریخ ابتدای پژوهشخواهی. هر یک از دو موضوع فوق از مسایل مهم قوانین دادرسی است. رد غیرقانونی دادخواست پژوهشی بخصوص در صورتیکه حکم بدوی قابل فسخ باشد و یا تعیین ابتدای تاریخ پژوهشخواهی بر مبنای غلط هر کدام بنحوی منشأ بیعدالتی قضائی بوده که بالمآل به بی‌عدالتی اجتماعی منجر خواهد شد.

مادتین فوق چه از لحاظ قواعد صرفی و ادبی و چه از لحاظ قواعد حقوقی و قضائی از جهت جامعیت و شمول بمعانی و مفاهیم موضوع مواد مزبور نارسا و ناقص است برای اینکه این نقص و نارسایی بخوبی روشن شود بدو لازم است توضیحی در مورد موضوعات مواد فوق یعنی طرق مختلف تقدیم دادخواست پژوهشی و نحوه عمل مدیران دفاتر در جریان ثبت دادخواست و سایر امور مربوط به آن داده شود.

طرق مختلف تقدیم دادخواست پژوهشی - چنانکه میدانیم دادخواست‌های پژوهشی علاوه بر صورت تلگرافی بدو طریق حضور و پستی تقدیم میشود.

طریقه حضوری - طریقه حضوری باین صورت است که تقدیم‌کننده دادخواست در دفتر دادگاه حضور یافته و یا حضور وی دادخواست ثبت و ابتدای تاریخ پژوهش - خواهی تعیین و رسیدی مشتمل بر شماره و تاریخ ثبت دادخواست به نامبرده داده میشود در این طریقه اشکالی از حیث تأخیر وصول دادخواست و یا اختلاف در تاریخ ابتدای پژوهشخواهی متصور نیست زیرا خود پژوهشخواه در دفتر دادگاه حضور دارد و ناظر جریان عمل است.

طریقه پستی - در طریقه پستی پژوهشخواه دادخواست خود را از شهرستانی دیگر بوسیله پست ارسال میدارد و پس از وصول بدفتر دادگاه جریان ثبت و تعیین

تاریخ ابتدای پژوهشخواهی بدون حضور او در غیبت وی صورت میگیرد. در این طریقه علاوه بر پژوهشخواه عوامل (پست) و (مدیر دفتر) نیز مؤثر در جریان وصول و تعیین تاریخ ابتدای پژوهشخواهی میباشند و هر یک از عوامل مزبور ممکن است موجب تأخیر در تقدیم دادخواست و نتیجتاً تقدیم آن بعد از انقضای مهلت پژوهشی باشند بطوریکه ملاحظه میشود این طریقه ارسال دادخواست از لحاظ مسایل مربوطه و ارکان وجودی آن بکلی باطریقه ارسال اول متفاوت است و نمیتواند باطریقه اول تحت یک حکم و امر قانونی قرار گیرد.

نحوه عمل مدیران دفاتر و دادگاهها در رد دادخواست پژوهشی - تا آنجا که
نگارنده اطلاع دارد پس از آنکه دادخواست بدفتر دادگاه واصل شد مدیر دفتر پرونده بدوی را مطالبه و باملاحظه تاریخ ابلاغ دادنامه پژوهشخواسته و یک حساب سردستی ساده عددی چنانچه دادخواست خارج از مهلت ده روز باشد پرونده را ضمن گزارشی تقدیم دادگاه مینماید و دادگاه نیز بدون کمترین تأملی در علت تأخیر یا طریقه ارسال آن باستناد ماده ۴۸۸ مورد بحث اقدام بصدور قرار رد دادخواست مینماید و در واقع هیچیک از مسایلی که در طریقه ارسال پستی وجود دارد و ممکن است هر یک بنوبه خود علت وصول دادخواست بعد از انقضای مهلت باشد مورد توجه قرار نمیگیرد و تمام مسئولیتها در این مورد بر شخص پژوهشخواه بار میشود. همین طور است موضوع تکلیف اقدام (بلافاصله) مدیر دفتر در ثبت دادخواست که چون ضمانت اجرایی برای آن در قانون تعیین نشده موضوع در همه احوال بسکوت برگزار میشود.

شرح مطلب اصلی - اینک بامقدمه فوق تاحدودی بمسایلی که در هنگام اجرای مادتین مورد بحث مطرح میشود آشنایی حاصل شد و مطلب اصلی این است که ببینیم آیا آنچه در موارد فوق مقرر شده جوابگوی مسایل مطروحه فوق می باشد یا خیر؟ و آیا مراجع رسیدگی در موقع اجرای مواد مورد بحث میتوانند بااستناد مقررات مواد فوق بمسایل مربوط به آن عطف توجه داشته باشند یا نه؟ لازم بتوضیح نیست که اجرای قوانین بایستی در زمینه ای از عدالت اجتماعی باشد البته صاحب نظرانی هستند که در مورد اجرای قوانین مخصوصاً قوانین مربوط بدارسی (قوانین شکلی) عقیده با اجرای عدالت نسبی یا قانونی دارند - با اینکه این نظریه قابل مخالفت نیست ولی لازم است اضافه شود که در هر حال اجرای قوانین باید دور از هرگونه حق شکنی و بی عدالتی آشکار صورت گیرد. هیچ قاعده حقوقی و نظام قضائی اجازه نمیدهد که تأخیر و تعللی را که دیگری مرتکب شده آثار نتایج آنرا دیگری متحمل شود:

مأمور پستی پاکت محتوی دادخواست پژوهشی را که بموعده از مبداء ارسال و بمقصد واصل شده و مبیایستی در همان روز وصول بدفتر دادگاه تحویل نماید از روی تعلل و یا بی اطلاعی از نتیجه عمل خود تحویل آنرا یک الی دو روز به عمده تأخیر می - اندازد و بعد دادگاه بهمان علت یعنی تأخیر حاصله از عمل مأمور پست قرار رد دادخواست پژوهشی را صادر مینماید تأخیریکه مأمور پست مرتکب شده چوبش را باید پژوهشخواه بی تقصیر و بی خبر از همه جا بخورد.

و اما تفسیر قضائی مواد مورد بحث و تعیین قلمرو آنها - الف در مورد ماده ۴۸۸. در ماده ۴۸۸ آمده است «در صورتیکه دادخواست پژوهشی بعد از انقضای مهلت داده شده باشد» اولین مطلب قابل تأمل عبارت (داده شده باشد) است که با توجه بطرق مختلف تقدیم دادخواست که فوقاً بیان شد معلوم نیست مقصود از آن دادن بدفاتر پست است یا تسلیم بدفتر دادگاه؟ در صورتیکه بخواهیم معنی تقدیم بدفتر دادگاه را تلقی کنیم لازم است که معنی از عبارت قانون مستفاد شود حال آنکه اجمال عبارت بعدی است که افاده معنی فوق از آن جز با اغماض فاحش ممکن نیست و چون عبارت (داده شده باشد) افاده معنی (ارسال) یا (وصول) که مربوط بطریقه ارسال پستی دادخواست است بهیچوجه نینماید علیهذا باید از آن استفاده معنی تقدیم بدفتر دادگاه یعنی طریقه حضوری تقدیم دادخواست را نمود توضیح اینسکه در طریقه پستی موضوع (دادن) دادخواست مطرح نیست بلکه دادخواست با (ارسال) بوسیله پستخانه و (وصول) آن بدفتر دادگاه تقدیم دادگاه میشود و چون عبارت (داده شده باشد) از لحاظ معنی عرفی معمول بر معانی (ارسال) و (وصول) نیست پس بنابراین حد اجرای مفهوم حقوقی عبارت فوق در همان محدوده تقدیم دادخواست بطریقه حضوری است و عبارت فوق و نتیجتاً ماده ۴۸۸ حاکمیت و قلمروی در مورد طریقه پستی ارسال دادخواست ندارد و بفرض اینکه با تمسک برویه اغماض آمیز کنونی مراجع قضائی بخواهیم قلمرو اجرای آنرا بطریقه پستی ارسال دادخواست نیز تسری دهیم لااقل باید قبول کنیم که ماده مزبور در این مورد از لحاظ افاده معنی دارای اجمال و عدم صراحت است.

ب - در مورد ماده ۴۹۰ - فقدان جامعیت قانون در این ماده واضحتر است زیرا ماده مزبور پس از آنکه وظایف مدیر دفتر را در مورد ثبت دادخواست بیان میدارد سپس اضافه می کند (... رسیدی مشتمل بر نام پژوهشخواه و پژوهشخوانده و تاریخ تسلیم و ذکر شماره ثبت بتقدیم کننده دادخواست بدهد) که این مراتب صریحاً دلالت بر نحوه تقدیم دادخواست بصورت حضوری دارد زیرا دادن رسید بتقدیم کننده ملازمه با حضور وی در دفتر دادگاه دارد و دادن چنین رسیدی در طریقه پستی بصورتی که در ماده مزبور بیان شده متصور نیست مگر اینکه عبارت قانون بصورت دیگری مانند (رسیدی مشتمل... جهت تقدیم کننده دادخواست ارسال دارد...) باشد که چون در عبارت قانون کلمه (ارسال) ملاحظه نمیشود بنابراین کلمه (بدهد) فقط دلالت دارد بطریقه حضوری لاغیر.

با شرح مراتب بالا ملاحظه میشود که قلمرو اجرائی مواد مورد بحث بهمان طریقه حضوری تقدیم دادخواست محدود میشود و بطریقه پستی دلالت ندارد و اینک این بحث مطرح است که پس در مورد طریقه پستی تکلیف دادگاه چه خواهد بود؟

تکلیف دادگاه در مورد دادخواستهای پستی - ماده ۳ قانون آ.د.م. که از قواعد عمومی قانون مزبور محسوب است مقرر میدارد (... در صورتیکه قوانین موضوعه کشوری کامل و یا صریح نبوده و یا متناقض باشد یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه

وجود نداشته باشد دادگاههای دادگستری باید موافق روح و مفاد قوانین موضوعه و عرف و عادت مسلم، قضیه را قطع و فصل نمایند.) مقررات این ماده نه تنها در مورد قوانین ماهیتی است بلکه در مورد قوانین مشکلی (دادرسی) نیز جاری است و دستور العمل جامعی است برای مراجع قضائی در موردیکه قانون مربوطه دارای اجمال و عدم صراحت است. چون بشرحیکه فوقاً تشریح شد اجمال و عدم جامعیت مواد ۴۸۸ و ۴۹۰ در مورد تقدیم دادخواستهای پستی واضح است پس بنابراین رسیدگی مراجع قضائی در مورد چنین دادخواستهایی از حیث مراحل ثبت و صدور قرار رد دادخواست بایستی براساس دستورالعمل قانونی مقرر در ماده ۳ قانون آ.د.م صورت گیرد و اما چون در ماده مزبور تکلیف اساسی دادگاه احراز روح و مفاد قوانین موضوعه و عرف و عادت مسلم مربوط بموضوع است از اینجهت لازم است بدو با بررسی قوانین و مقررات مربوطه و رویه قضائی نسبت باحراز روح و مفاد قانون اقدام آنگاه در تعیین تکلیف قضیه و اتخاذ تصمیم نسبت بمورد بحث (ثبت دادخواست از لحاظ تعیین تاریخ ابتدای پژوهشخواهی و صدور قرار رد آن) اقدام نمود. مستندات برای احراز روح و مفاد قانون الف مستندات قانونی و پستی ۱- ماده ۱۷۵ قانون آ.د.م که در ذیل همان ماده ۴۸۸ به آن اشاره شده و مربوط است به تقاضای پژوهشخواهی محکوم علیه غایب از حکم غیابی مقرر میدارد (... محکوم علیه غایب در صورتیکه مدعی عدم ابلاغ باشد میتواند دادخواست پژوهشی بدادگاه مرجع رسیدگی پژوهشی بدهد و دادگاه بدو در این مورد رسیدگی نموده قرار رد یا قبول دادخواست را میدهد...) آنچه از مقررات این ماده بعنوان روح و مفاد قانون مستفاد میشود این است که دادگاه باید قبل از صدور قرار رد دادخواست بموضوع وصول یا عدم وصول دادخواست در مهلت قانونی با کلیه ضوابط مربوطه رسیدگی نموده پس از رسیدگی لازم آنگاه بصورت قرار رد یا قبول اقدام نماید و در این رسیدگی بایستی بتمام مسایل مربوط بعلت تأخیر وصول دادخواست از جمله تأخیر حاصله از ناحیه مأمورین پست و یا احتمالاً اشتباه دفتر دادگاه در ثبت دادخواست و تعیین تاریخ ابتدای پژوهشی عطف توجه شود و برای اینکه ابواب رسیدگی در مورد تأخیر پست روشن شود متن یکی از بخشنامه های مربوط به آئین نامه اجرای قانون پستی ذیلا درج میشود.

متن بخشنامه شماره ۱۱۱۴۳۷۰-۱۱۱۴۳۷۰-۱۱۱۴۳۷۰ تحت عنوان و ترتیب بکار بردن مهر تاریخدار و اوراق جداگانه نموده است.

بخشنامه شماره ۱۱۱۴۳۷۰-۱۱۱۴۳۷۰-۱۱۱۴۳۷۰ تاریخ ۱۱/۶/۱۳۱۲ مربوط به آئین نامه اجرای قانون پستی ترتیب بکار بردن مهر تاریخدار.

چون منظور اصلی از تهیه استامپهای پستی و زدن آنها در روی مرسولات پستی تعیین مصدر و مقصد و تاریخ ورود و خروج مرسولات میباشد تا باین وسیله در مواقع لازمه بتوان بکشکایات و سایر قضایا رسیدگی گردد بسرعت یا بطو جریان سرویسهای پستی پی برد لازم است بدو از اعضاء و متصدیان دفاتر شعب و صنایع پستی نقاط ناحیه خودتان دستور صریح بدهید که در آتیه چه در زمان ارسال و چه در زمان وصول

آنها استامپها را قسمتی بزنند که تمام حروف و تاریخ بخوبی خوانده شود و جای تردیدی در موضوع اسامی دفاتر و تاریخ باقی نماند متخلفین از این دستور مطابق مقررات نظامنامه اختصاصی تعقیب و مجازات خواهند گردید.

وزیر پست و تلگراف و تلفن - فرج‌اله سهرابی

دادگاه با رسیدگی باین مسایل بالطبع میتواند از يك سلسله تضييع حقمانی که منشأ آن خارج از حل و حیطه اقتدار پژوهشخواه بوده جلوگیری نماید. مدت لازم جهت وصول دادخواست را از مبدأ تا مقصد براساس ضوابط و مقررات پستی مورد رسیدگی قرار داده و با ملاحظه پشت و روی پاکات تاریخ مهرهای تاریخدار را که بایستی مطابق مقررات پستی زده شده باشد مورد بررسی قرار داده در صورتیکه احراز نمود تأخیر وصول دادخواست ناشی از عمل پژوهشخواه نیست یعنی دادخواست مطابق ضوابط فوق در مهلت مقرر ده روز بدفتر پست مقصد رسیده و علت تأخیر ناشی از عمل مأمورین پست است دستور یا قرار مقتضی نسبت بچریان دادخواست صادر مینماید ذیلا برای روشن‌تر شدن موضوع بذکر مثالی مبادرت میشود. فرض میکنیم پژوهشخواهی دادنامه پژوهشخواسته را در تاریخ شنبه ۱۱/۵/۵۴ در آبادان رؤیت نموده و دادخواست پژوهشی خود را در تاریخ ۵ شنبه ۱۶/۵/۵۴ (بعد از تعطیلات اعیاد مشروطیت و مبعث) بوسیله پست سفارشی بدفتر دادگاه استان اهواز ارسال داشته و مطابق ضوابط پستی و تاریخ مهر تاریخدار روی پاکت، دادخواست در تاریخ سه‌شنبه ۲۱/۵/۵۴ بداره پست اهواز رسیده است لکن پس از اینکه پاکت تحویل مأمور نام‌رسان شده نامبرده بعملی (از جمله اینکه چون آخر وقت وخسته است یا بکلی فراموش نموده) پاکت مزبور را در تاریخ ۲۳/۵/۵۴ یعنی یک‌روز بعد از انقضای مهلت بدفتر دادگاه میرساند در این مثال ثابت است که در تأخیر دادخواست پژوهشخواه کمترین تقصیری ندارد و رد دادخواست بلحاظ عمل مأمور خلاف حق و عدالت بوده و انصاف ایجاب مینماید که دادگاه با احتساب دوروز تأخیر مأمور وصول دادخواست را در واقع در موعد مقرر تلقی و از صدور قرار رد دادخواست خودداری نماید مورد دیگری که نظایر آن بیشتر ملاحظه میشود این است که مأمور مربوطه از زدن مهر تاریخدار در روی پاکت خودداری مینماید تا بدینوسیله تأخیر و مدت تأخیر وی معلوم نشود حال آنکه همین زدن مهر تاریخدار دلیل تأخیر وصول پاکت محتوی دادخواست بوده و میتواند از جمله دلایل رسیدگی باشد.

توضیح - در این قسمت از بحث مطلقاً قصد بدگوئی و تحقیر مأمورین پست نیست بلکه صرفاً منظور روشن‌نمودن علل تأخیر وصول دادخواست است نگارنده خود ایمان دارد که طبقه نام‌رسانان از جمله مأمورین زحمتکش و تنگدست اداره پست میباشند.

۲- ماده ۳۰ قانون امور حسبی - در ماده ۳۰ قانون امور حسبی که تاریخ تصویب آن یکسال بعد از تاریخ قانون آ. د. م. است تعدیلی در محدودیت قانون آ. د. م.

تصویب آن یکسال بعد از تاریخ قانون آ.د.م است تعدیلی در محدودیت قانون آ.د.م در مورد مهلت پژوهشخواهی بعمل آمده بشرح ماده مزبور (در صورتیکه پژوهشخواه ثابت کند که پژوهش نخواستن او در مواعد بواسطه عذر موجه بوده و در ظرف ده روز از تاریخ رفع عذر پژوهش بخواهد دادگاهی که مرجع رسیدگی پژوهشی است میتواند مهلت پژوهش را تجدید نماید مشروط براینکه از تاریخ انقضاء مدت پژوهش بیش از ۶ ماه گذشته باشد) استفاده‌ایکه از این ماده برای احراز روح و مفاد قانون در مسئله مورد بحث میتوان نمود این است که همانطور که در ماده مزبور وجود و اثبات عذر موجه موجب مهلت جدید پژوهشخواهی است همانطور هم وجود و اثبات عذر موجه در تأخیر وصول دادخواست در مورد ماده ۴۸۸ قانون آ.د.م میتواند موجب قبول دادخواست و مانع رد آن گردد.

ب - مستندات حکمی - از چند فقره احکامی که از دیوانعالی کشور صادر شده تا حدودی میتوان روح و مفاد قانون را در مسئله مورد بحث بشرح استنباطات فوق احراز نمود این احکام بشرح زیر است.

۱- رأی شماره ۵۷۹-۲۸۴۲۸ ر ۳۱ هیئت عمومی (قرار رد دادخواست پژوهشی که مناسبت انقضای مهلت قانونی از دادگاه صادر شده قرار غیابی نیست تا قابل اعتراض باشد زیرا تشخیص اینکه دادخواست در مهلت قانونی تقدیم شده یا نه از تکالیف خود دادگاه است و محتاج بر رسیدگی با حضور اصحاب دعوی نمیباشد) مطابق این مستند قانونی لازم‌الاتباع دادگاه مکلف است تشخیص دهد که دادخواست در مهلت قانونی تقدیم شده یا نه و بدیهی است برای احراز مطلب فوق موضوع ملازمه با رسیدگی دارد و ضمن رسیدگی عوامل مؤثر در تأخیر دادخواست نیز مطرح میشود و دادگاه میتواند با اختیار مطلق که در زمینه رسیدگی دارد براساس مهلت ده روزه مقرر در ماده ۴۸۲ و احتساب تأخیر حاصله احراز نماید که دادخواست در مدت قانونی تقدیم شده یا نه؟ مثلاً در مثالی که فوقاً بیان شد دادگاه میتواند با توجه بتاریخ ابلاغ دادنامه پژوهشخواسته و تاریخ وصول دادخواست به پست مقصد و مدت تأخیر مأمور پست بقبول دادخواست ضمن احراز تقدیم و وصول آن در مدت مقرر قانونی اتخاذ تصمیم نماید.

۲- رأی شماره ۳۳۵-۲۶۱۲۶ ر ۲۶ شعبه ۳ (اگر پژوهشخواه طبق تصدیق دفتر زندان در موقع ابلاغ قرار یا حکم پژوهشخواسته زندانی و ممنوع از ملاقات اشخاص بوده، و نمیتوانسته است با تعیین وکیل هم دادخواست پژوهشی را در ظرف مدت بمرجع قانونی تسلیم دارد چاره‌ای جز تسلیم آن بدفتر زندان نداشته و اگر بموقع دادخواست خود بدفتر زندان داده باشد چون اتخاذ طریق دیگری برای تقدیم دادخواست از حیطة او خارج بوده بنابراین قصور مأمور زندان در رسانیدن دادخواست بموقع قانونی نباید قصور پژوهشخواه تلقی گردد) بطوریکه ملاحظه میشود در این رأی دیوان عالی کشور با آنکه موضوع عدم تأثیر قصور مأمور را مشروط بشرايط سختی نموده ولی بهر حال وجود عذر موجه را در تأخیر دادخواست قبول نموده و از اینجا

میتوان نتیجه‌گیری نمود که مقررات ماده ۴۸۸ بنحو مطلق نبوده بلکه تا حدودی مشروط بشرایط عدم تأثیر و دخالت عوامل خارجی است.

۳- رأی شماره ۹۰-۱۹۱۶۱۹ شعبه یک چنین مقرر میدارد (رد دادخواست از حقوق قانونیه است که دادگاه‌ها در موارد معینه قانونی مکلف باصدار قرار آن می‌باشند و از حقوق شخصیه که منوط بتقاضای اصحاب دعوی باشد نیست تا تقاضا نکردن پژوهشخوانده قبل از جریان دادخواست مؤثر باشد) در این رأی اصل مهمی اعلام میشود و آن ارتباط نداشتن تصمیم دادگاه بقبول یا رد دادخواست با تقاضای اصحاب دعوی است بدین معنی که دادگاه نه براساس تقاضای پژوهشخوانده بلکه بعنوان تکلیف و حقوق قانونی دادخواست را از حیث قابل قبول بودن بررسی و با ضوابط قانونی خود برد یا قبول آن اتخاذ تصمیم مینماید و در صورتیکه بقبول دادخواست اتخاذ تصمیم نمود در واقع چیزی جز اعمال حقوق قانونی خود ننموده و بعبارت دیگر تصمیم دادگاه در این مورد همان اجرای ماده ۴۸۸ قانون آ.د.م بوجهی دیگر است و اینکه بعضی از اصحاب دعوی (مقصود پژوهشخوانده) در این گونه موارد فریاد و فغان واقانونا برمی‌آورند و با حیرت و تعجب در قبال قبول دادخواست بمقام شکوه و شکایت برمی‌آیند در واقع چیزی جز مراتب کم اطلاعی خود را از قانون و یا سوءنظر خود را از وضعی که با صدور حکمی مبنی بر اشتباه بدست آمده نشان نمیدهند.

خلاصه مطالب:

- ۱- مقررات مواد ۴۸۸ و ۴۹۰ قانون آ.د.م در مورد دادخواست‌های پستی جامعیت نداشته و قانون در مورد دادخواست‌های مزبور مجمل و فاقد صراحت است.
- ۲- رد دادخواست‌های پستی بایستی مطابق مفاد و روح قوانین مربوطه و عرف و عادت مسلم قضیه و بارعایت عوامل مؤثر در وصول و تأخیر دادخواست ضمن رعایت مهلت مقرر قانونی صورت گیرد.
- در خاتمه پیشنهاد مینماید تبصره ذیل بماده ۴۸۸ قانون آ.د.م اضافه شود.
تبصره - در صورتیکه ثابت شود تأخیر ناشی از عمل پژوهشخواه نبوده و مربوط بمعامل خارجی است دادگاه پس از رسیدگی و احراز موضوع بقبول دادخواست اتخاذ تصمیم می‌نماید.

*** منابع مقاله

- ۱- قانون آ.د.م
- ۲- قانون امور حسبی
- ۳- آراء دیوانعالی کشور
- ۴- بررسی پرونده‌های مربوطه و تجربیات شخصی.